گزارش
زهرا چیذری

تراژدی زن در دنیای غرب، آن سوی بازنمایی رسانه‌ها

در ورای بازنمایی رسانه‌ای زن در دنیای غرب آمار تأمل‌برانگیز دیگری هم وجود دارد که نشان می‌دهد هیچ یک از اعلامیه‌های حقوق بشری و اسناد و قوانین متعدد نتوانسته‌اند زنان را در دنیای غرب از خشونت بیمه کنند که اگر این‌گونه بود هر سه روز یک زن در مهد تمدن دنیای غرب و کشوری همچون فرانسه به دست همسر یا شریک زندگی‌اش کشته نمی‌شد تا تراژدی زن در دنیای غرب آن سوی دوربین رسانه‌ها شکل بگیرد

■ **زهرا چیذری**

هر سه روز یک زن در فرانسه بر اثر خشونت خانگی می‌میرد؛ بر اساس اعلام وزارت کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی بیش از ۱۰۰ زن در این کشور بر اثر خشونت خانگی جان باختند. این یعنی هر سه روز یک زن بر اثر خشونت همسر یا همسر سابق خود می‌میرد. وضعیت خشونت علیه زنان در سایر کشورهای اروپایی و امریکا نیز از این بهتر نیست و آمار خشونت علیه زنان هم با وجود تصویب قوانین متعدد و جا گرفتن منع خشونت علیه زنان در کنوانسیون‌های بین‌المللی نه فقط رو به بهبود نیست بلکه روندی افزایشی دارد به گونه‌ای که طبق آخرین گزارش وزارت کشور فرانسه در این کشور هر سه روز یک زن توسط همسر یا همسر سابق خود کشته می‌شود. گزارش منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد نیز نشان می‌دهد بیش از نیمی (۵۸درصد) از زنان به قتل رسیده در سراسر جهان در سال ۲۰۱۷، توسط پارتنر یا یکی از اعضای خانواده خود کشته شده‌اند. سؤال اصلی اینجاست که چرا در کشورهایی که خلأ قانونی درباره خشونت علیه زنان وجود ندارد باز هم شاهد آمار و ارقام اینچنینی درباره زنانی هستیم که حد خشونت علیه آنان منجر به مرگشان می‌شود.

تصور بسیاری از ما در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران بر آن است که زنان غربی در امنیت و آسایش و با کمال آزادی و احترام زندگی می‌کنند.

این تصور شاید به واسطه نگاه به دنیای غرب از زاویه دید کسانی است که تنها بخش‌های مثبت این جوامع را برای ما بازنمایی کرده‌اند، از رسانه‌ها گرفته تا برخی از فعالان حوزه زنان در کشور که فقدان مطالعه کافی درباره وضعیت زنان در غرب یا اهداف و اغراض دیگری آنها را بر آن داشته تا دنیای غرب را به گونه‌ای متفاوت از واقعیت‌های آن تصور و تفسیر کنند. اما برای درک بهتر از واقعیت زندگی زنان در دنیای غرب کافی است سری به آمار و ارقام و گزارش‌هایی بزنیم که از سوی مراکز معتبر غربی درباره اوضاع آسیب‌های اجتماعی و وضعیت زنان در جهان غرب منتشر می‌شود.

■ **منع خشونت زنان در قوانین بین‌المللی**

با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان، از همان آغاز تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۴اکتبر سال ۱۹۴۵، ارتقای حقوق زنان و ایجاد فضای برابر برای آنان از اهم تلاش‌های سازمان ملل بیان شد. بدین ترتیب سازمان ملل پرچمدار جنبش ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان، حذف خشونت علیه زنان و محو کامل همه نوع تبعیض علیه آنان شناخته شد و این مهم از طریق تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۷ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ آغاز شد تا زنان در همه جنبه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق برابر و انسانی دست یابند.

در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر رسماً خشونت علیه زنان حتی در زندگی خصوصی خانواده‌ها، را به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. در طول سال ۱۹۹۳ در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفکِ حقوق بشر اعلام شد و خشونت جنسی و همه اشکالِ آزار و بهره‌کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و قاچاق بین‌المللی زنان، مغایر با کرامت و حرمت انسان شناخته شد. به رسمیت شناخته شدن این حقوق اما مانع وقوع اقسام خشونت علیه زنان نشده است.

■ **واقعیت وضعیت زنان در غرب**

پایگاه اطلاع‌رسانی «ناو» متعلق به سازمان ملی زنان امریکا در این خصوص می‌نویسد: به‌رغم تمام تلاش‌های گروه‌های مدافع زنان برای دفاع از حقوق زنان در امریکا طی دو دهه اخیر، همچنان آمار خشونت علیه زنان و تجاوز جنسی به آنها سرسام‌آور است. همچنین بر اساس گزارش پلیس فدرال امریکا، ۷۹ درصد مردان امریکایی زنان خود را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. در امریکا هر ۱۸ دقیقه یک زن مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد به طوری که علت مراجعه ۲۲ تا ۳۵ درصد زنان به بخش‌های اورژانس بیمارستان‌ها، خشونت خانگی است. زنان جوان کم‌درآمد در سنین بین ۲۰ تا ۲۴ سال، بیشتر در معرض خشونت‌های خانگی و آزارهای جنسی قرار دارند. همچنین ۳۰-۲۵ درصد زنان امریکایی مورد آزار جسمی شوهران خود قرار می‌گیرند. ۲۵-۱۵ درصد این زنان حتی هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

در کانادا بیش از ۵۳ درصد زنان مورد انواع خشونت قرار می‌گیرند. در کانادا از هر چهار زن یک نفر در مرحله‌ای از زندگی خود مورد خشونت قرار می‌گیرد. ۶۲ درصد از مقتولان زن در سال ۱۹۸۷ میلادی در کانادا توسط شوهران خود کشته شده‌اند.

در انگلیس بیش از ۱۰درصد از زنان انگلیسی توسط شوهران خود مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند و بر این اساس بیش از یک چهارم زنان انگلیسی در طول زندگی مشترک خود مورد توهین و بدرفتاری از سوی مردان واقع می‌شوند. همچنین در هر سه روز، یک زن نیز کشته می‌شود.

در آلمان بر اساس گزارش روزنامه «کولنر اشتات آنسایگر» در هر ۱۷ ثانیه یک زن مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. همچنین در هر چهار روز، سه زن توسط مردان زندگی خود به قتل می‌رسند یعنی بالغ بر ۳۰۰ قتل نفس در سال. همچنین، زنان مهاجر در کشور آلمان قربانی انواع خشونت‌های نژادی هستند و اغلب زنان مهاجر در کشور آلمان در باندهای فساد و فحشا به کار گرفته می‌شوند به‌گونه‌ای که کمیته رفع تبعیض علیه زنان عنوان می‌کند: «این برای ما نگران‌کننده است که جایگاه زن در رسانه‌های آلمان تحقیر شده است.»

در استرالیا نیز ۵۷ درصد زنان مورد انواع خشونت قرار می‌گیرند.

زنان غربی بر خلاف تصاویر بازنمایی شده در آرامش نیستند. آنها در جامعه حضوری فعال دارند، درس می‌خوانند و خیلی وقت‌ها می‌توانند به جایگاه‌های سیاسی مهم دست یابند این اما تنها بخشی از اسطوره‌ای است که رسانه‌ها از زنان غربی ساخته‌اند. در ورای بازنمایی رسانه‌ای زن در دنیای غرب آمار تأمل‌برانگیز دیگری هم وجود دارد که نشان می‌دهد هیچ یک از اعلامیه‌های حقوق بشری و اسناد و قوانین متعدد نتوانسته‌اند زنان را در دنیای غرب از خشونت بیمه کنند که اگر این‌گونه بود هر سه روز یک زن در مهد تمدن دنیای غرب و کشوری همچون فرانسه به دست همسر یا شریک زندگی‌اش کشته نمی‌شد تا تراژدی زن در دنیای غرب آن سوی دوربین رسانه‌ها شکل بگیرد.

نگاه
کبری فرشچی

لایحه منع خشونت علیه زنان در بوته نقد کارشناسان زنان و خانواده

قضایی کردن مسئله‌ای فرهنگی

لایحه منع خشونت علیه زنان در قوه قضائیه در دست بررسی است و مراحل نهایی را می‌گذراند؛ لایحه‌ای که به دلیل جرم‌انگاری وسیعش هنوز نتوانسته اجماع نظر صاحب‌نظران حوزه خانواده و قضایی را به‌دست آورد، دلیلش هم واضح است؛ جرم‌انگاری‌هایی که در این لایحه وجود دارد هم می‌تواند موجب از هم فروپاشی نظام خانواده شود و هم زندان‌ها پر هستند و هزینه روزانه ۱۵۰ هزار تومانی نگهداری از هر زندانی در کنار تبعات فرهنگی و اجتماعی زندان برای زندانیان، خانواده‌های آنها و جامعه آن‌قدر برای قوه قضائیه سنگین است که این نهاد به دنبال راه حل‌هایی برای حبس‌زدایی است نه جرم‌انگاری بیشتر. به همین خاطر هم هست که این لایحه در قوه قضائیه معطل مانده و در دست بررسی است. اما انتقادات به لایحه منع خشونت علیه زنان به جرم‌انگاری وسیعش محدود نمی‌شود.

این لایحه در دولت دهم مطرح شد اما به دلایلی مسکوت ماند و در آغاز دولت یازدهم از سوی معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده پیگیری شد. در بررسی این لایحه توسط قوه قضائیه، از ۹۱ ماده آن، ۴۱ ماده حذف شده و باقی مفاد آن به تصویب رسیده که شامل سه بخش پیشگیری، حفاظتی و حمایتی است. این لایحه اما بیش از آنکه اهداف اجتماعی و فرهنگی را مدنظر قرار دهد سیاسی شده و همین سیاسی شدن هم لایحه منع خشونت علیه زنان را از اهداف خود دور کرده است. به بیان دیگر زنان دستاویزی برای رسیدن به برخی اهداف سیاسی شده‌اند و این مسئله خود بر آسیب‌های حوزه زنان و خانواده دامن زده است.

■ **خشونت مسئله فرهنگی**

حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد رئیس مرکز تحقیقاتی زن و خانواده یکی از افرادی است که نگاه انتقادی به این لایحه دارد و معتقد است: خشونت یک مسئله فرهنگی است و در جوامع مختلف معانی متفاوتی دارد. این واژه نیاز به بازتعریف دارد.

از نگاه وی وقتی می‌خواهیم درباره خانواده لایحه‌ای طراحی کنیم باید دید رویکرد مورد نظر ما چه تأثیری بر مناسبات خانوادگی می‌گذارد.

رئیس مرکز تحقیقاتی زن و خانواده تأکید می‌کند: سیاست‌گذاری‌ها در زمینه خانواده باید محصول تحلیل باشد اما در زمان ارائه پیش‌نویس لایحه تأمین زنان ما هیچ بیانیه تحلیلی را شاهد نبوده‌ایم.

■ **تحقیر زن**

توران ولی‌مراد فعال حوزه زنان و خانواده در این باره معتقد است: نکته اصلی این است که تعاریف خشونت از کجا می‌آید و آیا اسنادی که در چند دهه با این تعاریف شکل گرفته‌اند بر مبنای نگرش غربی و اومانیستی نیست؟ در واقع خشونت زن‌محور بر اساس نگاه غربی شکل گرفته و روش‌های مقابله با آن سکولار بوده است.

وی با اشاره به تهیه لایحه خشونت علیه زنان تصریح می‌کند: این لایحه کپی‌برداری از نگرش غربی به زن و موضوع اصلی و اصولی در آن آزار جنسی عنوان شده است در صورتی که بر مبنای نگرش اسلامی برای پیشگیری از خشونت و رفع تبعیض باید کرامت انسانی مورد توجه قرار گیرد نه مسئله برابری.

از نگاه این فعال حوزه زنان کلمه برابری به نوعی تحقیر زن است چراکه مرد مبنا قرار گرفته و می‌خواهیم زن را با او برابر کنیم. در حالی که نگرش اسلامی به هویت یگانه (نفس واحده) اشاره کرده است.

به گفته وی فصل اصلی لایحه خشونت بر محور خشونت جنسی دیده شده که متعلق به جامعه غربی است چراکه در این جامعه مرز بین خانواده و جامعه و ارتباط جنسی بر مبنای رضایت زن گذاشته شده است. در حالی که در جامعه ایران دو بعد رابطه زوجیت و تعمد تفکیک شده است.

ولی‌مراد خاطرنشان می‌کند: در این لایحه هیچ اشاره‌ای به مسئله نفقه و تمکین نشده است.

■ **راهکار یادگیری‌های اجتماعی**

محمدتقی کرمی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه و مشاور ارشد مرکز تحقیقات خانواده هم در این باره معتقد است: مهم‌ترین عامل در بروز خشونت خانگی یادگیری‌های اجتماعی است و در این شرایط نباید در گام نخست با آن به مواجهه قضایی و حقوقی پرداخت.

وی تأکید می‌کند: گاهی نظام حقوقی در کشور به قوانین موجود هم عمل نمی‌کند و باید توجه داشته باشیم مهم‌تر از وضع قانون عمل به آن است. بنابراین اگر این لایحه هم تصویب شود مانند بسیاری از قوانین اراده‌ای برای اجرای آن وجود ندارد چون ما دچار تورم و تکثر قوانین هستیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه با بیان اینکه خشونت مفهومی رایج در ابعاد جهان فمنیستی و با بار منفی و ضدخانواده است، می‌افزاید: فمنیست‌ها خشونت علیه زنان را با خشونت خانگی یکی می‌دانند و این واژه از اساس نسبت به خانواده سوگیری دارد و معمولاً نسبت به خشونت‌های رایج در اجتماع ساکت است.

وی خلط و یک‌کاسه کردن خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه را نادرست می‌داند و تأکید می‌کند: مشخص نیست در این لایحه چرا نهاد خانواده در کنار واقعیت‌های اجتماعی آمده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه تصریح می‌کند: چه منطقی بر این لایحه حاکم است که جنایات در کنار رفتارهای مذموم آمده است؟

■ **کاهش نگاه جنسیتی**

سیده‌فاطمه ذوالقدر نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس اما درباره آخرین سرنوشت این لایحه می‌گوید: اصلاحاتی در لایحه منع خشونت علیه زنان صورت گرفت تا نگاه جنسیتی در آن کاهش پیدا کند و تنها مختص زنان نباشد، این لایحه باید از همه اعضای خانواده در مقابل خشونت‌های موجود در جامعه مانند ضرب و شتم، اسیدپاشی، خشونت اقتصادی و مالی و خشونت در فضای مجازی حمایت کند.

یادداشت
متین زاهدی

دخترانی که زنده ماندند

یکی از نخستین دستاوردهای اسلام در همان آغاز نبوت پیامبر رحمت حضرت محمد (ص) مبارزه با خشونت علیه زنان و دختران بود. عرب عصر جاهلیت که دختر داشتن را عار می‌دانست و اقدام به زنده به گور کردن دخترانشان می‌کردند با آمدن دین اسلام با جهان‌بینی متفاوتی مواجه شدند که دختر را رحمت می‌دانست و پیامبر اکرم(ص) جایگاه زنان را به حدی ارتقا داد که نسل و سلاله پاک خودش نیز از حضرت زهرا(س) باقی ماند. احادیث و روایات گوناگون هم بر حفظ حرمت و شخصیت زن هم در محیط خانه و خانواده و هم در جامعه تأکید دارد. سیره و رفتار پیامبر و ائمه با همسرانشان هم گواهی بر همین مدعاست. در رابطه با صبر و شکیبایی در برابر همسر، پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید: آگاه باشید هر کس بر خوی زن بداخلاق خویش صبر و تحمل نماید و از خداوند انتظار پاداش شکیبایی و تحمل خویش را داشته باشد، خداوند به او پاداش شکرگزاران را می‌دهد. ایشان همچنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند: هر کس نسبت به همسرش حتی به شنیدن یک کلمه ناروا تحمل و شکیبایی ورزد، خداوند او را از آتش آزاد و رها می‌سازد و بهشت را بر او واجب می‌نماید و برای آن مرد دوصد هزار نیکی نوشته می‌شود و دوصد هزار بدی از او پاک و زدوده می‌گردد و مرتبه وی دوصد هزار درجه بالا می‌رود و خداوند در برابر هر مویی که بر بدن اوست عبادت یک سال را می‌نویسد. در رابطه با تنبیه بدنی نیز پیامبر چنین می‌فرماید: بدترین مردان شما کسی است که تهمت‌زننده، خسیس و بدزبان باشد و همسرش را کتک بزند. در حدیثی دیگر نیز می‌فرمایند: من در شگفتم از کسی که زن خود را می‌زند در حالی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر است. زنانتان را با چوب نزنید که قصاص دارد.

مراتب کمتر از خشونت، یعنی هرگونه آزاررسانی یا نوعی اعمال و رفتار یا گفتاری که مایه چندش و ناخشنودی دیگران شود نیز در اسلام، سرشتی شیطانی شمرده شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «آن که به مؤمنی آزار رساند، مرا آزار کرده است و آن که مرا آزار دهد، خدای مرا آزار داده است و آن که خدای را آزار داده در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است.»

امام صادق(ع) هم می‌فرماید: «خداوند می‌فرماید آن که انسان مؤمنی را آزار دهد، بداند که با خدا به نبرد برخاسته است.» علاوه بر خشونت خانگی، خشونت در اجتماع نیز چه بسا نسبت به زنان اعمال می‌شود. در موقعیت‌های ویژه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی به دلیل آسیب‌پذیری این امر معمولاً بیشتر برای زنان اتفاق می‌افتد.

در روایات متعدد داریم که هم در سیره نبوی و هم در سیره ائمه (ع) در جنگ‌ها و حوادث اجتماعی درباره زنان توصیه ویژه‌ای شده است. به طور مثال امام صادق(ع) می‌فرماید: «پیامبر خدا(ص) هرگاه جنگی پیش می‌آمد فرمانده لشکر را فرامی‌خواند، او را در کنار و اصحاب را در مقابل خود می‌نشاند، سپس می‌فرمود: به سوی جنگ بروید با نام خدا و رسول، خیانت و پیمان‌شکنی نکنید، افراط نکنید، مثله نکنید، درختی را قطع نکنید مگر آنکه مجبور شوید. پیرمرد از کارافتاده و کودکان و زنان را نکشید.» حضرت علی (ع) هم پس از اتمام جنگ جمل، خطاب به لشکر خود فرمود: «آنان را که به جنگ پشت کرده‌اند و رو به گریز نهاده‌اند، نکشید و به مجروحان حمله نکنید و لباس از کسی برمگیرید و به زنی حمله نکنید».

در آیات متعدد قرآن کریم نیز بر کرامت و جایگاه انسانی زنان تأکید شده است. «زنان شما لباس شما هستند و شما لباس آنها» (سوره بقره، آیه ۱۸۷).

«مردان و زنان با ایمان یار و یاور یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز بر پا می‌دارند، زکات می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند.» (سوره توبه، آیه ۷۱). همچنین در آیاتی خطاب به مردان تأکید شده است با زنان خود به شایستگی رفتار کنند. «و با آنها (زنانتان) به شایستگی (نیکی) رفتار نمایید.» (سوره نساء، آیه ۱۹).

در دین مبین اسلام و آیات قرآن حتی درباره رفتار شایسته با زنی که از شوهرش طلاق گرفته نیز تأکید شده است: «هرگاه زنان به پایان زمان (عده نگه داشتن) نزدیک شدند آنان را (با رجوع به زوجیت) به صورتی شایسته نگه دارید یا از آنان به طرزی شایسته جدا شوید» (سوره طلاق، آیه ۲). «زنان طلاق داده را (تا پایان عده نگه داشتن) به اندازه توان خود، در همان جا سکونت دهید که خود سکونت دارید و به آنان آسیب و زیان نرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید (و زندگی را بر آنان سخت و دشوار سازید» (سوره طلاق، آیه ۶).

با همین نگاه اجمالی هم می‌توان دریافت اگر توصیه و دستورات دین مبین اسلام اجرایی شود امنیت روانی زن و مرد در کانون خانواده کاملاً قابل تضمین است. آیات و روایات اسلامی بهترین نسخه را برای استحکام خانواده پیچیده است.

ویترین

نفی خشونت علیه زنان و مردان در خانواده

در طول تاریخ حوادث ناگوار و خشونت‌آمیز همراه با رنج بسیار بر مردان به ویژه زنان به وجود آمده است. در زمان حاضر نیز با گسترش علم و دانش، هنوز معضل خشونت، به عنوان یک مسئله حاد اجتماعی، باقی است حتی بشر با خشونت مدرن و با مصادیق جدیدی روبه‌رو شده است.

در محیط خانواده، هر اقدام عمدی علیه جسم، جان، شرف، مال، حقوق طبیعی و اجتماعی علیه زنان و مردان در قبل و بعد از ازدواج زوجین صورت بگیرد در نظر فقه شیعه، خشونت نامشروع بوده و اسناد بین‌المللی نیز آن را غیرقانونی به شمار می‌آورد. خشونت در خانواده منشأ فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد که آسیب‌های جدی بر فرد، خانواده و اجتماع باقی می‌گذارد که جبران آن گاهی ممکن و گاه غیرممکن است. با توجه به این که در زمان جاهلیت، اعراب هیچ ارزشی برای زن قائل نبودند، دین اسلام به زن ارزش و کرامت بخشید و خداوند برای افراد خانواده، حقوق و تکالیف توأم با اخلاق به ویژه حسن معاشرت، قرار داده تا مودت و محبت و آرامش در بین آنها بیشتر شود و به سعادت و کمال برسند و در صورت سوءاستفاده از حقوق و تکالیف خود، مجازاتی برای آنها تعیین کرده است. در حالی که اعلامیه حقوق بشر، بعد از جنگ جهانی دوم، طبق دیدگاه مکاتب غرب، بدون توجه به مصلحت و تفاوت تکوینی زن و مرد، حقوق برابر بین زن و مرد را به تصویب رساند و کمیسیون‌ها و کنوانسیون‌ها و میثاق‌هایی را برای احقاق حقوق زنان تشکیل دادند تا بتوانند تبعیض علیه زنان را ریشه‌کن کنند. تا به امروز علاوه بر این که آنها نتوانسته‌اند خشونت علیه زنان را کم کنند، بلکه جامعه با معضل جدیدی به نام خشونت زنان علیه مردان مواجه شده است. لازم به ذکر است مبانی دو دیدگاه در مواردی متعارض و گاه مشترک است. در جامعه امروز ما، دشمنان اسلام و طرفداران فمنیسم می‌کوشند حقوق و تکالیف شرعی را ظالمانه جلوه دهند. در حالی که رواج خشونت در خانواده‌های مسلمان برگرفته از فرهنگ غیراسلامی و سوءاستفاده از حقوق شرعی است، حتی در کشورهای غربی نیز با شعار برابری هنوز خشونت نسبت به زنان کمتر نشده بلکه با مصادیق جدیدی از خشونت روبه‌رو هستند.

غرب برخی احکام شرعی مانند ارث زن و... را خشونت علیه زنان می‌داند لذا در پاسخ به آنان تحقیقات نسبتاً جامعی صورت پذیرفته است اما در مورد برخی از رفتار و اعمال خشونت (مانند قتل، خروج از منزل بدون اذن شوهر و...) بر اساس فقه شیعه و اسناد بین‌الملل از جانب محققین تحقیقات کمتری وجود دارد و همچنین خشونت علیه مردان کمتر مورد توجه واقع شده است و وجود چند مقاله نمی‌تواند پاسخگوی این پدیده دامنگیر، در همه کشورها باشد، لذا وجود تحقیقات گسترده پیرامون هر دو جنس ضروری به نظر می‌رسد. زهرا ساورسفلی در کتاب نفی خشونت علیه زنان و مردان در خانواده از منظر فقه شیعه و اسناد بین‌الملل، به بررسی مفهوم خشونت در قبل و بعد از ازدواج زوجین پرداخته است.